

کهن‌ترین ارزنده‌ترین سند تاریخی ایران

تفصیل

علی‌سامی

کتیبه تاریخی و مهم بیستون
اگر از لحاظ پیشینه پس از لوحه
های زر آریارمنا و ارشاما و
سنگ نبشته کورش بزرگ در
پاسارگاد، چهارمین نبشته فرس
هخامنشی می‌باشد، از لحاظ کمیت
و کیفیت و نمودار ساختن رویداد-
های تاریخی، گرانبها ترین و
مهمترین نوشته‌های باستانی است
که داریوش بزرگ در همان
سالهای نخستین پادشاهی خود
و پیش از بنیان‌گذاری کاخهای
بزرگش در شوش و تخت جمشید
و هگمتانه، با سه خط معمول
و متداول روزگار خود، در پیشانی
کوه مقدس بیستون بیادگار
گذارده است تا همانطوریکه
خودش گفته: « آنکسی که پس
از او این نوشته » (دیپی) را

بنخواند بساور کنند که او اینکار ها را کرده و آنها را دروغ نیندازد . این نبشته علاوه بر جنبه تاریخی از لحاظ زبان شناسی نیز حائز اهمیت است زیرا پس از خوانده شدن متن پارسی آن توسط استادان و خاورشناسانی که در این راه کوششهای فراوانی مبذول داشته ، خط های عیلامی و بابلی نیز خوانده شد و دنیای جدیدی توانست پرده ضخیم گذشت روزگار را از روی خط ها و زبانهای متروکه قدیم بیکسو زند . و از همین جهت است که کتیبه بیستون را حجر رشید (سنگ رزت Rosetta)^۱ خط میخی عیلامی و بابلی خوانده اند .

بختان ، بهستان ، بهستون یا بیستون^۲ در حدود چهارهزار پا از سطح دریا بلندتر و نوشته داریوش در ارتفاع حدود ۲۲۵ متری کمر این کوه کنده شده است این کوه از دوره های خیلی کهن معروف و مقدس و کنسار شاهراه مغرب ایران قرار گرفته و بواسطه وجود چشمه سارهایی در کنسار آن محل بارانداز کاروانها و مسافرین بوده است .

در بالای این کوه و در غار تمتمه نزدیکهای کتیبه در سال ۱۳۲۸ کاوشگران و باستانشناسان دانشگاه پنسیلوانیا پاره‌ای اشیاء و ابزار سنگی از قبیل پیکان سر نیزه ، کارد سنگی یکلبه و دولا به پیدا کردند که قدمت آنها قاسی هزار سال پیش از میلاد تخمین زدند .

کوهها از آن جهت که پناهگاه امن و منبع برکت و جایگاه حیوانات کوهی مانند بز ، که خوراک بشر غار نشین را تأمین میکرد بوده است پیوسته مورد احترام و تقدیس بشر بوده و اقوام باستانی نخستین بار در نقشهای خود این مظهر طبیعی را نمودار ساخته اند . در سفالهای پیش از تاریخ بشکل مثلث و

۱- کتیبه مصری از سنگ سیاه که در رزت (رشیدیه) ساحل نیل در سال ۱۷۹۹ پیدا شد روی آن عباراتی بخط های یونانی و دموتیک و هیروگلیف مصری نوشته شده که مفتاح خواندن خطوط مصری شده .

۲- بیستون را اصطخری و ابن حوقل بهستون و بیستون ، یاقوت حموی (۴۲۶) تا ۴۷۴ هـ ق) در معجم البلدان و ابن الفقیه در کتاب البلدان و صاحب مجمل التواریخ و التعمیر بیستون ، خوارزمی در مفاتیح العلم و حمداله مستوفی (قرن هشتم هجری) بهستون نوشته است .

هرم نمودار گردیده و سایه روشن کوهها را با خطوط متقاطعی نمایانده‌اند .
بر طبق کهنترین افسانه‌های اساطیری پیدایش کوه نخستین مرحله آفرینش و
منبع و پایه دائمی کشاورزی بوده است .

بعضی از کوهها گذشته از اینکه اصولا مورد احترام مردم بوده نقش مهمی
نیز در مراسم و آداب مذهبی داشته‌اند و پاره‌ای از اقوام معتقد بودند که جایگاه
خدایان بر فراز کوههای بلند و خوش منظر میباشد و بعضی نیز ستایش خدایان
خود را در بالای کوهها و جایگاههای بلند انجام میدادند . بابلیان جایگاه
اصلی مردوک خدای خدایان خود را و آشوریان آشور و سومریان اقایار و فنیقیان
بعل (رب النوع رعد و برق و باران)، ایرانیان قدیم آناهیتا و میترا و یونانیان
محل زئوس و اجتماع خدایان را در کوهها میدانستند . در اینجا بطور مقدمه
بچندتای آنها که معروفیت جهانی و تاریخی دارند اشاره مینمایم :

در اوستا کتاب دینی آریاهای ساکن فلات ایران ، در زامیادیشْت، کوه را
آفریده مقدس و راستی بخش اهور مزدا دانسته و از کوههای چند نام برده است
هر Heral را نخستین کوه بر خاسته از زمین میخواند «نخستین کوهی که از زمین
بر خاست ای سپنتمان زرتشت هر ای بلند است که همه ممالک غربی و شرقی را
در بر گرفته است» پس از ذکر نام چندین کوه میگوید : «پیش از این مردمان
بآنها نام دادند - از آنها گذشته بیندیشیدند . پس این چنین ای سپنتمان زرتشت
دو هزار دوست و چهل و چهار کوه بهر اندازه که این کوهها امتداد یافته بهمان
اندازه او آفرید کار آنها را برای پیشوایان و رزمیان و برزگران کله پرور
بخش نمود .» در بند هشتن آمده که : «این کوهها آفریده شده‌اند تا مایه تغذیه
آئور بانان ، ارتشتاران و استرمیوشان باشند» .

در بندهای ۱۳ و ۱۴ مهریشت توصیف شده که میترا از قله کوه هرا یا
هرایتی Haraiti بر سراسر ساکن آریائیها مینگردد . در فقره دوم از فصل چهارم
مهریشت : «مهر را می ستائیم . . . اولین ایزدی که پیش از مهر فنا ناپذیر تیز

اسب در بالای کوه هرا بر ۱ برمی‌آید و از آنجا آن مهر بسیار توانا بتمام منزلگاههای آریائی مینگردد.

اوشیدرن کوه Ushidarena نکه‌دارنده فره ایزدی و کوه ارزیفیا Eresifya کوهی است که کیکاوس بر بالای آن جهت ناهید قربانی کرد. در افسانه‌های قدیم یک سر پل جینموت (پل صراط بعقیده زرتشتیان) را بقله کوه البرز (هریبرز) و سردیگر به بهشت و آسمان متصل میدانستند و باز در همان افسانه‌ها آمده که طهمورت دیوبند اهریمن را در بند نمود و هر روز سوار او میشده و از بالای کوه البرز بجایگاه خود سرازیر میگرددیده است و همچنین فریدون رقتی بر ضحاک فائق آمد او را در بالای همین کوه زندانی کرد.

گشتاسب آذر برزین مهر را در کوه ریوند (باشکوه) نهاد. در شاهنامه فردوسی نیز سفر نخستین پادشاه داستانی ایران را کوه دانسته و میفرماید: کیومرث شد بر جهان کدخدای نخستین بکوه اندرون ساخت جای سر تخت و بختش بر آمد ز کوه پلنکینه پوشید خود با گروه و همچنین بموجب یک افسانه اساطیری معروف است که کشتی نوح در دامنه کوه الوند بساحل رسیده و از جهت غار کوچکی که در قله این کوه بنام امامزاده نوح است مردم هنگام بالا رفتن بقله الوند در آن زیارت مینمایند شاعری در این باره گفته:

کشتی نوح نجات ندهد از طوفان سوی الوند بکش رخت که ساحل آنجاست
کوه سیلان (سولان) نزدیک دریاچه چیچست (ارومیه) مانند کوه طور
سینا که در کنار بحرالمیت قرار گرفته و نیایشگاه حضرت موسی (ع) بود،
نیایشگاه حضرت زرتشت و معروف است که آن پیامبر در کنار همان دریاچه
دیده بجهان گشوده و آتشکده آذر گشنسپ نیز در همان حدود برپا گردیده بود.

۱ - کوه هرا بر حسب تشخیص پژوهندگان و استادانی که روی اوستا مطالعات عمیقی نموده‌اند رشته‌ای از کوه‌های شمالی ایران دانسته شده که مازندران و کیلان را از نچه‌های ایران مرکزی جدا می‌سازد. البرز و قسمتی از آن بنام هرا نامیده شده.

زمینهای پیرامون اورمیه از خرمترین و سرسبزترین نواحی آذربایجان و کوه سیلان نیز از کوههای سرسبز و با طراوت میباشد. آتش فشانیهایی و مناظر زیبایش سبب گردیده که از عهد باستان يك احترام و تقدسی برایش قائل شوند و پرستشگاه مردم گردد و معتقد بودند که حضرت زرتشت در همین کوه برای پیشوائی برانگیخته شد.

زکریا بن محمد قزوینی در کتاب «آثار البلاد» «اخبار البلاد» نوشته که: «زرتشت از شیز آذربایجان بود. چندی از مردم کنار گرفت و در کوه سیلان بسر برد و از آنجا کتابی آورد نامزد به یسنا.»

نیچه فیلسوف آلمانی در کتاب زرتشت چنین گفت مینویسد: «هنگامی که زرتشت سی ساله بود زادگاه و دریاچه زاگ گاه خود را بدرود گفت و بکوهی رفت. در اینجاست که او از خرد خویش برخوردار گردید و در هنگام ده سال از تنهایی خسته نشد تا اینکه دلش دگرگون گردید پس آنگاه با امدادان در سپیده دمی برخاست و روی بخورشید کرده گفت...»

در افسانه‌های یونان باستان است که زئوس یا ژوپیتر را مادرش به غاری در کوه ایدا در جزیره کرت برد و در آنجا رب النوعی را مأمور تربیت او نمود. زنیوران عسل باو عسل میدادند و بزآمالته با شیر خود او را خوراک میداد. زئوس وقتی بسن مردی رسید، از این پناهگاه خارج و پدر خود کروئوس را از آسانها برانند و بازنش هرا و فرزندان و برادرانش و دیگر خدایان بر قله کوه المپ مستقر شد و سلطنتش را از آنجا آغاز کرد.

مقر زئوس در یونان کوه زیبا و معروف المپ OLYMPIE و در کرت ایدا، و در بی‌تی‌نی باز کوهی بهمین نام بوده است کوه پارناس نیز بعقیده یونانیان مقر آپولو الهه آفتاب و نور بوده است

کوه سینا در جنوب شبه جزیره سینا معروف به طور همانجاست که فرمان ده گانه خداوندی بر حضرت موسی نازل گردید. و آن پیغمبر در این کوه با خدای خود راز و نیاز میکرد. این کوه را جبل موسی مینامند و در دامنه آن دبری است بنام «کاترین مقدس SAINT CATHRINA»

حضرت عیسی‌فیز بر حسب روایات تاریخ‌نویسان بر فراز کوهساران الیو با خدای خود راز و نیاز میکرده است. ارتفاع کوه الیو (زیتون) از سطح زمین در حدود ششصد پا و باینجهت آنرا الیو نام نهاده‌اند که از دیر گاهان دارای درختان زیتون فراوان و کنه‌سالی بوده است و هم‌اکنون در دامنه آن تپه باغی است بنام باغ جت‌سیمانی‌پراز درخت زیتون و معروف است که حضرت عیسی (ع) در آخرین شب زندگی که پیش‌بینی فردای ناگواری را می‌نموده، با سه تن از پیروان خود (حواریون) بطرس، یوحنا، یعقوب در همین باغ دستور داده بود که بیدار بمانند ولی آن سه را خواب میر باید و هنگامی بیدار میشوند که عده‌ای برای دستگیری حضرت عیسی به باغ آمده بودند. حواریون پراکنده میگردند و حضرت عیسی در دست سربازان می‌ماند این باغ در آن کوهستان بیاد بود همان شب و صعد آنحضرت با آسمان، از طرف عیسویان نگاهداری شده و در آنجا کلیسائی بنام کلیسای صعد ساخته‌اند که زیارتگاه عیسویان جهان است و معتقدانی که به آنجا میروند برگ زیتونی برای یادبود و قیمن و تبرک با خود میاورند. آخرین دعای حضرت عیسی را بزبانهای مختلف روی لوحه‌هایی از سنگ مرمر نوشته و در تالار آن نصب کرده‌اند.

کوه حرا که کوه نور هم میخوانندش، طرف مشرق مکه بقولای پانزده سال و بروایت دیگر سه سال امن‌ترین و ساکت‌ترین محل پرستش خدای یکتا برای حضرت محمد (ص) بود و نخستین وحی خداوند گاری در همین کوه برای آنحضرت نازل شد و سوره «اقرأ باسم ربك الذی خلق» اولین سوره قرآن کریم در این کوه بر پیغمبر مسلمانان نازل شد. کوههای عرفات و منی و ابوقیس و همین کوه حرا که مکه را دربر گرفته‌اند، همه اهمیت و قدس و روحانیت و نورانیت و صفای خاصی دارند.

کوه احد باز یکی از کوههای مقدس و با برکتی است در مدینه که جنگ معروف احد بین مسلمانان و مشرکین مکه در آنجا واقع شد و حضرت محمد در حق آن فرموده: «احد جبل یحبنا و نحبه و هو عنی باب من ابواب الجنة». هر آن بزرگ مصر بظن قوی خود نموداری از یک کوه مصنوعی بوده

مخصوصاً نوشته‌اند که کئوپس بوجود آورنده بزرگترین هرم محل آنرا در مغرب پایتخت قرار داد تا چون خورشید که هر شامگاهان در پس آن پنهان میشود اونیز که پسر خورشید خوانده میشود در غروبزندگی همانجا پنهان شود.

زیگوراتها جایگاه خدایگان بزرگ عیلام و کلاه که تا نود متر و بیشتر ارتفاع آنها را نوشته‌اند، خود نموداری از کوه برای جاهائی که کوهستان نداشتند، بوده است. هم اکنون کوه فوزیاما FUJI - YAMA که بدو فوجی سن FUJI - SAN نامیده میشود، قبله آماال هنرمندان و مردمان ژاپن است و همه ساله عده زیادی برای زیارت میروند. احترام این کوه نزد ژاپنیها بحدی است که هواپیماها را از فراز قله آن پرواز نمیدهند.

در ایران زمین نیز بطوریکه چند نمونه آن بیان شد، بعضی از کوهها مقدس و از لحاظ تاریخی، یاد آور روز کاران سرافرازی و بهی ما میباشند و پاره‌ای از آنها در آغوش پرمهر و محبت خود یادبودی های گرانبھائی از مفاخر ما را نگاهداشته‌اند مانند همین کوه بیستون و کوه حاجی آباد نقش رستم و کوه انگون ممسنی و کوه الوند و وان شاپور کازرون و کوه رحمت (کوه مهر، کوه شرقی تخت جمشید) که باشکوهترین یادبود شاهنشاهی هخامنشی را در دامنه خود نگاهداشته است؟

از تاریخ نویسان قدیمی کتزیاس که یک قرن پس از نقر کتیبه میزیسته و هفده سال در دربار داریوش دوم و اردشیر دوم مقیم بوده و سپس دیودور - سیسیلی (مورخ سده اول میلادی) از قول او نخستین مورخانی هستند که مجلس حجاری و کتیبه‌های بیستون را دیده و آنرا به سیمیرامیس ملکه داستانی آشور نسبت داده‌اند. بیستون در نوشته‌های کتزیاس Bagistanon Oros یاد گردیده است.

مورخانی که این نقشها و کتیبه‌ها را از آن سیمیرامیس دانسته، نوشته‌اند که ملکه در نزدیکی این کوه باغ بزرگی بساخت و در کوه تصویر خود و صد سوار را حجاری نموده است که این ۱۲ نقش نمودار قسمتی از آن صد سوار نیزه دار است و اضافه کرده که برای رسیدن به حجاریها بار و بنبه‌های

اسبان سپاهیان سیمیرامیس را رویهم گذاردند تا بدان ارتفاع دست یافتند . تاریخ نویسان بعد از اسلام هم بعضی در باره این کوه و نقشهای آن مطالبی نوشته‌اند از آنجمله ابن حوقل جغرافی‌دان معروف عرب (قرن چهارم هجری) نقوش برجسته بالای کتیبه های بیستون را آموزگاری پنداشتند که شلاقی بدست گرفته شاگردان خود را تنبیه مینماید .

عین عبارات او بر این مفاد است؛ «صورت مکتب خانه‌ای است که آموزگار کودکان، چیزی شبیه به تسمه (شلاق) برای تادیب کودکان در دست دارد و دیگرانی که روی پایه ها نصب شده نیز در آنجاست همه اینها از سنگ است.» پاره‌ای هم خطهای میخی بیستون را قباله شیرین زن خسرو پرویز تصویر نموده که با تیشه فرهاد بر پیشانی کوه نقر گردیده است .

ژنرال گاردان فرانسوی در اوائل قرن نوزدهم (حدود ۱۸۰۲ میلادی) که از طرف ناپلئون بناپارت با هفتاد افسر فرانسوی دیگر برای تعلیم و اصلاح ارتش ایران بدربار فتحعلیشاه قاجار آمده بود حجاریهای بیستون را نقش حواریون و فروهر بالای سر داریوش را نیز خود حضرت عیسی دانسته که با آسمان می‌رود .^۱ مرکز تحقیقات مپویر علوم و فنون

اکثر خاورشناسان و دانشمندان اروپائی که از اوائل قرن نوزدهم بایران مسافرت کرده و از صفحات کرمانشاه، اشاره ای به این سنگ نوشته و نقشهایش کرده‌اند از قبیل الیویه Olivieh فرانسوی، کیپل Keppel سرربرت کرپرتر Sir Robert Ker-porter حدود سال ۱۸۲۰ ویلیام جکسن Williams Jackson (۱۹۳۰ از دانشگاه کلمبیا)، تامپسن و کینگ R C: Thampson, L.W.King از طرف موزه بریتانیا حدود ۱۹۰۴ امبروزیو بامبو Ambrogio-Bambo اتر Otter کینیر Kinnir سر اورل استین Sir Aurel Stein ولی موفقیت عمده برای خواندن و ترجمه آنها نصیب گرفتند آلمانی و سر هانری راولینسن Georg Fredrich Grotefend Sir Henry Rawlinson گردید . گرفتند (۱۷۷۵-۱۸۳۵) در تعقیب مطالعات سایر دانشمندان اروپائی

۱ - کتاب : روزنامه يك مسافرت Jurnal D.un Voyages پاریس ۱۸۰۹ میلادی

که از اوایل قرن هفدهم میلادی برای پیدا کردن راز خط میخی و خواندن و ترجمه آن کوشش و تلاش نموده بودند، گامهای ارزنده‌ای برداشت و سرانجام موفق شد دو قسمت کوتاه از این کتیبه را ترجمه و در سال ۱۸۱۵ بچاپ برساند ولی البته این فعالیت‌ها برای گشودن راز خط میخی و ترجمه کامل آن کافی نبود و گام عمده و اساسی و مداوم را سرهانی راوینسن افسر جوان انگلیسی برداشت. وی با پشتکار قابل تحسینی پس از بیست و اندی سال مطالعه و کار مداوم و رونویس کردن از کتیبه، ترجمه‌اش را در سال ۱۸۴۷ منتشر ساخت و ترجمه متن بابلی را نیز در سال ۱۸۵۱ انتشار داد و با چاپ این دو کتاب پرده از روی بزرگترین سند دنیای قدیم برداشته شد و پرتوی درخشان بر تاریکیهای تاریخ گذشته این سرزمین افکنده شد.

راوینسن از چهار ستون دیگر که ۳۲۳ سطر نوشته داشت بواسطه نداشتن پناهگاه و جای یا نتوانست رونویس تهیه کند.

در سال ۱۹۰۳ ویلیام جکسن دانشمند امریکائی از طرف دانشگاه کلمبیا موفق به بالا رفتن از قله بیستون و مطابقت رونویسها گردید و برای نخستین بار از این نوشته‌ها عکس برداری کرد.

در همین سال از طرف موزه بریتانیا دو دانشمند دیگر بنامهای لئونارد ویلیام کینگ و «رکینالد کمت بل تامپسن» مامور بررسی و تحقیق این کتیبه گردیدند و آنها مقداری از اشتباهات راوینسن را اصلاح کردند و قسمتهای خوانده نشده را نیز خواندند و کتاب این دو دانشمند بنام «حجاری و کتیبه داریوش کبیر بر تخته سنگ بیستون» در سال ۱۹۰۷ در لندن چاپ و منتشر شد.

L.W. King R.C thompson the Sculpture And :

Inscription of Darius the Great on the Rock of Behistun in Persia .

London 1907

علاوه بر کتابهای نامبرده ترجمه این کتیبه در کتابهای بارتلومه Bartelomee و یسباخ Weissbakh و تلمن Tolman و کنت Kent درج میباشد . پیدا کردن راز خط میخی پارسی پس از گذشت بیست و اندی قرن نتیجه مساعی خاورشناسان و دانشمندان چندی است که از قرن پانزدهم میلادی

درباره آن تحقیق و مطالعه کرده و سرانجام موفق بکشف رمز آن و خواندن سایر خطوط میخی شرق باستان گردیدند نویسنده امیدوار است که ضمن مقاله جداگانه‌ای مشروحاً سهم هر یک از آنها را در این راه بیان نماید .

نقش داریوش و شورشیان در بالای کتیبه :

در بالای این سنگ نبشته ، داریوش بزرگ دیده می‌شود بانه نفر شورشیان کشورهای تابعه شاهنشاهی که در دوره چند ماهه حکومت گئومات مغ دعوی استقلال و شاهی کردند و از فرمانبرداری در باره خامنشی سر باز زدند . در این مجلسی که $۶ \times ۳/۳۰$ متر اندازه دارد ، چهار انگشای خامنشی دست راستش را بحال نیاز بلند کرده و پسای چپش را بسینه گئومات مغ گذارده غصب تاج و تخت شهریاری به پشت افتاده و سلاحی در دست دارد و دست دیگرش بحال تضرع و التماس بسوی داریوش دراز می‌باشد . در بالای سرداریوش طبق معمول فروهر نقش گردیده و در جلو او پیکر نه تن شورشیان کشورهای جزء که در زنجیر کشیده شده‌اند دیده میشود . اندازه قامت داریوش در این نقش $۱/۷۰$ متر و دو نفر پشت سرش هر کدام $۱/۴۰$ متر و قامت اسیران $۱/۵$ متر ولی بلندی قامت سکونخای (نفر نهمی) از پاتانوک کلاه $۱/۷۷$ متر میباشد . دو نفر پشت سرداریوش از نجبا و بزرگان پارس بوده‌اند که یکی کمان و دیگری نیزه‌ای بدست دارد در نقوش بالای آرامگاه داریوش در نقش رستم نظیر این اشخاص یعنی کماندار و اسلحه دار باشی شاه نمایانده شده است . نام یکی از آنها که حامل اسلحه شاه میباشد : گئوبروو *Gaubaruvu* اهل پتیس کوریان *Patischorian* و دیگری که کماندار و تیشه جنگی داریوش را نگاه داشته اسپیچما *Aspichama* معرفی گردیده‌اند .

گئوبروو « کبریاس بیوثانی » از شخصیت‌های بارز پارسی و دخترش زن داریوش بزرگ بوده است . داریوش از این زن سه پسر داشت که بزرگترین آنها ارت بازان *Arsobazan* و آتس سا *Atossa* دختر کوروش بزرگ مادر خشایارشا زن درمی او بود .

نه نفریانی نامبرده در کتیبه اینطور معرفی شده‌اند :

- ۱- آسینا (آترین) Acina یاغی شوش
- ۲- فرورتی Phraortes شاه دروغی ماد
- ۳- نادینتوبل Nadintu-bel که خود را پسر نبونید و شاه بابل خواند .
- ۴- مرتیا Martiya یاغی خوزستان .
- ۵- سیسانتاخما Cicantakhma که خود را شاه اسکارتا (ناحیه کرد نشین خواند .

۶- وهیازدات Vahyazdata که در پارس بنام بردی پسر کورش علم طغیان برافراشت .

- ۷- ارخه Arkha در بابل بنام پسر نبونید دعوی شاهی کرد .
- ۸- فرادا Frada یاغی مرو (مارژ Marge)
- ۹- سکونخای سکائی Skvukha امیر ساک ها .

نکات برجسته و مهم کتیبه بیستون

در زیر مجلسی که شرح آن داده شد دو کتیبه بزرگ : یکی به زبان (میخی پارسی - عیلامی - بابلی) که پارسی آن ۴۱۴ سطر در پنج ستون نقش گردیده (ستونها به ترتیب ۳۶-۹۲-۹۲-۹۸ و ۹۶ سطر است) کتیبه دیگر که کوچکتر است فقط بخط پارسی و عیلامی است و بابلی آن نوشته نشده است .

شاهان هخامنشی بانوشتن رویدادهای زمان خود به خطوط و سه زبان دو منظور مهم اساسی و سیاسی داشته اند : یکی آنکه اکثر از ساکنان حوزه شاهنشاهی مخصوصاً کشورهای آسیای غربی بزبان و خط بابلی و نواحی غرب ایران نیز بخط عیلامی آشنا بوده اند . خط بابلی در آن زمان و پیش از آن تقریباً يك خط بین المللی بوده و در تمام نواحی آسیای غربی و حتی گاهی در مصر عهدنامه ها و قراردادهای سیاسی بدان خط هم نوشته میشده . منظور دیگر نمایانیدن گسترش این شاهنشاهی بزرگ و اهمیت نگاهداری آن بوده تا آیفندگان از خواندن این سنگ نبشه بدانند که هخامنشیها چه کشورهای پهنآوری که بزبانهای گوناگون حرف میزدند ، اداره مینمودند .

داریوش بزرگ در این سند تاریخی پس از ذکر نسب و نژاد و چگونگی

پادشاهی رسیدنش، جنگها و پیروزیها و تلاشهایی که برای خوبانیدن شورشهای سخت سیاسی و اجتماعی که اساس شاهنشاهی را متزلزل ساخته بود شرح میدهد و مینویسد که چطور کشورها شورش کردند و بجه سرعت و شجاعتی آن شورشها را درهم شکسته و مانع از برچیده شدن يك امپراطوری جوان که چندسالی از بنیاد آن بیش نگذشته بود گردیده این سنگ نبشته در حقیقت يك فصل از تاریخ بدون خدشه و تردید شاهنشاهی داریوش بزرگ را تشکیل میدهد که بقلم خود او نوشته شده و گذشت قرنهای آنرا برای فرزندان و نوادگان داریوش بیاد کار نگاهداشته است، تا آیندگان بدانند که این شخصیت ممتاز و بزرگوار پارس برای ابقاء و استحکام شاهنشاهی ایران که کورش بزرگ بنیانگذاری کرده بود چه تلاشها و فداکاریهایی کرده تا کشور را بپایه اول خود رسانید سنگ نبشته بیستون پس از استوانه معروف کورش بزرگ گرانبهارترین و مهمترین اعلامیه دولت نیرومند هخامنشی است و پس از اوستا دومین اثر ادبی و شیوای نوشته‌های پارس باستان میباشد.

مطالب مشروحه در این کتیبه نکات مهمه تاریخی را در بردارد که بچند مورد آن اشاره مینماید: تحقیقات متور علوم پسری

۱- شناساندن حسب و نسب داریوش بزرگ و محق بودنش در اشتغال تخت سلطنت و تائید پادشاهی آریارمنا و ارشاما نیای بزرگ و نیای خود. وی از حیث نسب فرزند و یشتاسپاه و نوه ارشاما، و از لحاظ دودمان هخامنشی، و از جهت طایفه پارسی، و از حیث نژاد خود را آریائی میدانند:

«هشت تن از دودمان من پیش از این شاه بودند من نهمی هستم نه تن پشت اندر پشت شاهیم.»

هشت تن عبارتند از حکامانش (هخامنشی) مؤسس دولت هخامنشی چش پش - کورش اول کمبوجیه پدر کورش - کورش بزرگ - کمبوجیه فاتح مصر آریارمنا و ارشاما - کورش و اجدادش تا پیش از تأسیس شاهنشاهی ایران، پادشاهان قسمتی از خاک فاس و خوزستان و بهبهان تا مسجد سلیمان بوده اند و اجداد داریوش (آریارمنا و ارشاما) شاهان قسمت مشرق خاک پارس و یشتاسپ پدر داریوش چون مصادف با گسترش شاهنشاهی کورش بزرگ بود عنوان

شاهی پیدا نکرد و در کتیبه‌های داریوش و خشیارشا همه جا بدون عنوان شاهی ذکر شده او شهر بان ایالات باختری بوده است مضافاً اینکه ارشاما در زمان سلطنت کورش کبیر زنده بوده است.

داریوش هم از لحاظ نسب که اجدادش پادشاه بوده‌اند و هم شجاعت و ابوغ شخصی بالاستحقاق مالک و وارث تاج و تخت سلطنتی می‌گردد.

۲ - کمال ایمان و حسن عقیده باهورمزدا توانای کل و خدای بزرگ و استحضار و نیاز بخواست و یاری او: اهورمزدا مرا این پادشاهی داد. اهورمزدا مرا یاری کرد تا آن شاهی را بدست آورم و بخواست خدا این شاهی را دارم.

نه تنها در این سنگ نبشته‌ها بلکه در سایر نوشته‌هایش در همه موارد از عنایت و لطف پروردگار که باوشاهنشاهی پهناوری را که بسیاری از نژادها و کشورها مسکون و معمور است، بخشیده سپاسگراری مینماید و می‌خواهد که او و خاندانش و کشورش را در پناه خود نگاهدارد، تارومار کردن شورشیان کشورها که در اثر دروغ و فریب گنومات مغ در گوشه و کنار کشور بیرق مخالفت و خودسری برافراشته بودند، از فضل و یاری خداوند گاری میدانند.

۳ - معرفی بیست و سه کشور علاوه بر پارس که روی هم رفته شاهنشاهی بزرگ هخامنشی را تشکیل میداده است، این بیست و سه کشور شامل نیمی از آسیا و قسمتی از خاک آفریقا و اروپا بوده جز یونان در حقیقت سایر کشورهای کهنسال و متمدن زمان در جرگه این امپراطوری بوده‌اند، چون این کتیبه مربوط بکشور گشائیه‌های سالهای اول سلطنت داریوش است و هندوستان در سال ۵۱۴ ق.م ضمیمه شاهنشاهی شد، بنا بر این نامی از آن در کتیبه نیست ولی در سایر کتیبه‌های داریوش (کتیبه نقش رستم و تخت جمشید) که پس از فتح هندوستان نوشته شده جزو سایر کشورهای تابعه صورت داده شده است.

۴ - بخش این اعلامیه مهم برای آگاهی همه مردم کشورهای جزء شاهنشاهی باز با نه‌های مختلف و نسخ متعدد بروی لوحه‌های گلی و سنگی و پوست آهو: «این نبشته را که نوشتم به علاوه بزبان آریائی بود و روی لوحه‌های گلی

و پوست آهو... و در حضور من خوانده شد. بعد از آن این نبشته‌ها را همه جا فرستادم...»

کشف يك نسخه بابلی قسمتی از این کتیبه ضمن کاوشهای ربرت کلدوی Robrt Koldewey در ۱۸۹۹ با کمک موزه برلن در ویرانه‌های بابل و نسخه آرامی آن در آفانتین^۱ Elephantine مصر قائید این مطلب را نموده است.

۵ - کشته شدن بردی بدست کمبوجیه و همچنین کشته شدن کمبوجیه بدست خودش، کمبوجیه نام پسر کورش از تخمه ما، این شاه بود همان کمبوجیه را برادری بود بردی نام، از يك مادر و يك پدر با کمبوجیه پس از آن کمبوجیه آن بردی را بکشت. بمردم روشن نشد که بردی کشته شده بود... «... پس از آن کمبوجیه بدست خود مرد» (بند ۱۰ و ۱۱ کتیبه).

مورخین یونانی اشاره‌ای بکشته شدن بردی بدست کمبوجیه و همچنین زخمی شدن کمبوجیه در اکتانای شام هنگام مراجعت بایران کرده‌اند ولی با اختلاف عقیده و تردید ولی مندرجات این کتیبه گفته‌های تاریخ نویسانی که نوشته‌اند بردی بدست کمبوجیه کشته شده کاملاً تأیید مینماید.

۶ - بدست آمدن نامه ماه از دوازده ماه معمول دربار هخامنشی غیر از نام ماههای اوستائی و این نه‌ماه عبارتند از: «سائی کاسی، گرم پد، بگیادی، ورك زن، آچی یادی، افامک، ویخن.» سه ماه دیگر از ماهها که سالها نامعلوم بود پس از خواندن سی هزار و اندی لوحه‌های گلی پیدا شده در دبیرخانه تخت جمشید باین نامها معلوم گردیده «درن باجی، سامیا، کارباشیا»^۲

۷ - افتخار باینکه تمام شورشهای کشورها را در یکسال خوابانیده و در همان سال ۱۹ بار پیکار کرده و نه‌شاه را اسیر نموده است: «پس در همان سالی

1 - Meyer. De Der Papyrus fund von elephantine Leipzig 191 P-99

۲ - برای کسب اطلاع بیشتر درباره موقع این ماهها و وجه نامگذاری و تطبیق آنها با اوقات ماههای فعلی بصفحه ۲۲۸ جلد دوم تمدن هخامنشی تألیف نویسنده مراجعه فرمائید.

که من شاه شدم نوزده جنگ کردم و نه شاه را گرفتم... شاهان پیشین را در تمام زندگی خود چنین کرده‌هائیت من بخواست اهور مزدا در یکسال کردم...» کینگ و تامسون معتقدند که جنگهای داریوش برای خوابانیدن شورشهای کشورها از ۲۹ سپتامبر ۵۲۲ ق.م تا دهم مارس ۵۰۰ ق.م برابر نهم مهر ۵۲۲ ق.م تا ۱۹ اسفند ۵۲۰ ق.م طول کشیده است.

۸ - نمودار ساختن اختلاف دین مغ ها با دین پادشاهان هخامنشی در بعضی موارد، زیرا پرستگاههایی را «آیادانا Ayadana» که گئومات مغ در همان مدت چندماه زمامداری خود ویران کرده بود از نو ساخت «پرستشگاههایی را که گئومات مغ ویران کرده بود ساختم». (بند: کتیبه.)

پاره‌ای از پژوهندگان پرستشگاههایی را که گئومات مغ ویران کرده بود همان آتشکده‌ها تصور نموده اند لیکن کریستن سن خاورشناس فقید دانمارکی بر حسب تحقیقاتی که ضمن رساله ملاحظاتی درباره قدیمیترین عهد آئین زرتشتی، نموده حدس میزند که معابد ویران شده متعلق بیروان دینهای دیگر کشورها چون بابل و عیلام و غیره بوده است که پیوسته مورد احترام و حمایت کورش و جانشینان او قرار گرفته که خوش آیند روحانیان متعصب دین مزديسنا که مغان مادی مبلغ آن بوده اند نبوده است.^۲

۹ - توصیف جوانمردی و سجایای اخلاقی خود و دودمانش و رعایت کامل حقرق ضعیف و قوی و پاداش نیکوکاران و کیفر بدکاران بطور اشاره و اختصار که مشروح تر آنرا در سنگ نبشته نقش رستم برشته تحریر در آورده است «نه من و نه دودمانم دروغگو و بی انصاف و بد قلب نبودیم. من برابر حق و عدالت رفتار کردم نه ناتوان و نه توانا را نیازمردم مردیکه با دودمان من همکاری کرد او را نیک نواختم و آنکو بدی کرد سخت کیفر دادم.

۱ - صفحه ۶۰ مزدپرستی در ایران قدیم تألیف آرتور کریستن سن ترجمه دکتر ذبیح‌اله صفا در نشریه دانشگاه تهران.

۱۰ - تنفر و تمییز از فریب و دروغ و ناهمزی که سبب برچیده شدن خاندانها و دودمانها میشود و استغاثه به درگاه خداوندی که فریب و دروغ در کشورش راه نیابد و آنرا از این دو بلا و آفت خانه براندازد امان نگاهدارد «ای آنکه از این پس شاه باشی خود را از دروغ قویا نگاهدار و اگر فکر کنی چکنم تا کشورم در امان باشد دروغگو را سخت بازخواست کن.»

۱۱ - وفا و حق نگاهداری و وظیفه شناسی را می ستاید و جانشینان خود را توصیه مینماید که نسبت به خدمتگزاران و وفاداران تاج و تخت و خاندان سلطنتی هخامنشی همیشه حق شناس و مهربان و وفادار باشند.

داریوش در این کتیبه از سران و بزرگان پارس و دیگر خدمتگزاران که در برانداختن حکومت موقتی گئومات مغ فداکاری کرده به نیکی یاد کرده است. در بند ۱۸ ستون چهارم نامشش تن از مردان و سران پارس را که با او همکاری صمیمانه داشته ذکر کرده و سپس میگوید: «تو که زین پس شاه باشی از خاندان این مردان نگاهداری کن.»

مرکز تحقیقات کامپیوتر علوم اسلامی